

## تأملی دوباره در باب برهان صدیقین سینوی در نجات<sup>۱</sup>

هما رنجبر<sup>۲</sup>

داود حسینی<sup>۳</sup>

اسدالله فلاحی<sup>۴</sup>

### چکیده

در مقاله‌ای با عنوان «صورت‌بندی برهان صدیقین ابن‌سینا در نجات بر پایه منطق محمولات مرتبه اول»، صورت‌بندی‌ای از برهان صدیقین ابن‌سینا در کتاب نجات ارائه شده بود. اکنون با تأملی دوباره بر صورت‌بندی آن مقاله، درصدد بیان آن هستیم که فرض‌های این صورت‌بندی به همراه دو فرض وحدت واجب و وجود حداقل یک موجود ممکن، منجر به تناقض می‌شود. ضمن بررسی سه راه حل ممکن برای حل تناقض، یعنی تغییر تعریف سلسله علی تام، تغییر اصل تعدی و تغییر اصل نامعکس بودن رابطه علیت و توضیح نحوه ارتفاع تناقض ایجاد شده به کمک اصلاح آن‌ها، اصلاح تعریف سلسله علی تام بر راه‌حل‌های دیگر ترجیح داده می‌شود. این تغییر به همراه برخی تغییرات جزئی دیگر از جمله حذف محمول سلسله بودن در تعریف سلسله علی تام و نیز حذف محمول موجود بودن از کلیه مقدمات در صورت‌بندی برهان به صورت‌بندی جدیدی می‌انجامد که بر فرض‌های کم‌تری نسبت به صورت‌بندی پیشین مبتنی است.

واژگان کلیدی  
برهان صدیقین، واجب، ممکن، رابطه علیت، سلسله

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۷؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

۲- دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسؤول)

hmrnjbr@yahoo.com

davood.hosseini.c@gmail.com

falahiy@yahoo.com

۳- استادیار گروه منطق دانشگاه تربیت مدرس

۴- استادیار گروه منطق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

## طرح مسئله

در مقاله «صورت‌بندی برهان صدیقین ابن‌سینا در نجات بر پایه منطق محمولات مرتبه اول» (رنجبر، حسینی، سعیدی‌مهر ۱۳۹۲، ص ۱۷-۱۴۰)، که با هدف تحلیل منطقی برهان صدیقین سینوی شکل گرفته، از سه تقریر مهم‌تر برهان صدیقین در آثار شیخ، یعنی تقریر اشارات، مبدأ و معاد و نجات، تقریر اخیر انتخاب و صورت‌بندی منطقی آن در منطق محمولات ارائه شده است. از این پس این صورت‌بندی صورت‌بندی پیشین، نامیده خواهد شد.

فرض‌های صورت‌بندی پیشین به همراه گزاره‌های دیگر مورد تصدیق نظام فلسفی ابن‌سینا - یعنی وحدت واجب و وجود حداقل یک ممکن - به تناقض می‌انجامد. یافتن راه‌حلی برای رفع این تناقض هدف اصلی نوشتار حاضر است. در کنار این هدف برخی تغییرات جزئی در صورت‌بندی پیشین نیز اعمال خواهد شد که منجر به حذف برخی فروض برهان می‌شود.

اما در این نوشتار قبل از طرح مراحل فوق‌الذکر با ترجمه‌ای از تقریر نجات و ارائه خلاصه‌ای از صورت‌بندی پیشین به همراه مقدمات به‌کار رفته در آن آغاز می‌کنیم تا زمینه برای طرح اشکال فراهم شود.

## مروری بر متن برهان صدیقین در کتاب نجات

متن زیر ترجمه‌ای از تقریر نجات در تبیین برهان صدیقین است:

«بدون شک موجودی هست. هر موجودی یا واجب است یا ممکن. اگر این موجود واجب باشد، واجب‌الوجودی هست و این همان مطلوب است و اگر موجود مفروض ممکن باشد، وجود ممکن‌الوجود به واجب‌الوجود منتهی می‌گردد. اما قبل از آن مقدماتی را طرح می‌نماییم؛ از جمله این که:

ممکن نیست برای یک ممکن بالذات، بی‌نهایت علت ممکن وجود داشته باشد. چرا که این علل نامتناهی و ممکن یا با هم موجود هستند و یا با هم موجود نیستند. توضیح این فرض را که علل نامتناهی با هم موجود نبوده و یکی پس از دیگری پدید آیند به بعد موقوف می‌نماییم. اما چنانچه علل نامتناهی و ممکن با هم موجود باشند و واجب‌الوجودی میان‌شان نباشد، آن‌گاه کل حاصل از آن‌ها از آن جهت که کل حاصل از آن علل ممکن - چه متناهی و چه نامتناهی - است، یا واجب‌الوجود بذاته است یا ممکن‌الوجود بذاته. اگر کل مذکور واجب‌الوجود بذاته باشد، در حالی که هریک از مؤلفه‌های آن ممکن‌الوجود هستند، آن‌گاه از کنار هم قرار گرفتن تعدادی موجود ممکن‌الوجود، موجودی واجب‌الوجود

ایجاد می‌گردد. تالی محال بوده، بنابراین مقدم نیز باطل است. حال اگر کل حاصل ممکن‌الوجود باشد، در این صورت محتاج به علت خواهد بود.

علت کل، یا خارج از آن است یا داخل آن. اگر داخل آن باشد، پس یا چنین است که یکی از مؤلفه‌ها واجب‌الوجود است و چون فرض بر این بود که تمام مؤلفه‌ها ممکن هستند، آن‌گاه تناقض با فرض رخ می‌دهد. اگر هم ممکن‌الوجود باشد، چون علت سلسله علل است، بنابراین اولاً علت است برای تک‌تک مؤلفه‌های کل که خودش یکی از آنهاست؛ ثانیاً علت است برای خود کل. بنابراین علت خودش نیز هست. حال بر فرض محال، حتی اگر چیزی بتواند علت خودش باشد، باز هم وجود واجب‌الوجود ثابت می‌شود؛ به دلیل آن که طبق تعریف، چنانچه ذات شیء برای ایجاد نمودن (ایجاد شدن) ذات خودش کافی باشد، آن‌گاه آن شیء واجب‌الوجود است؛ حال آن‌که فرض بر این بود که ممکن‌الوجود است و این تناقض با فرض و محال است.

بنابراین تنها این فرض باقی است که علت کل، خارج از آن باشد. در این صورت ممکن نیست که این علت خارجی، ممکن‌الوجود باشد؛ چرا که ما تمام علل ممکن را در این کل و از مؤلفه‌های آن فرض نموده بودیم. در نتیجه این علت خارجی، واجب‌الوجود بالذات است. پس سلسله ممکنات به علت واجب‌الوجود ختم می‌شود. بنابراین سلسله‌ای نامتناهی از علل ممکن‌الوجود، بدون رسیدن به واجب‌الوجود، موجود نیست»<sup>۱</sup> (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص ۲۳۵؛ یثربی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴۵-۱۱۴۸).

۱- متن برهان صدیقین سینیوی در نجات:  
فصل فی اثبات واجب‌الوجود: لا شک أن هنا وجوداً، و کل وجود فإما واجب، و إما ممکن. فإن كان واجباً، فقد صح وجود واجب. و هو المطلوب. و إن كان ممكناً، فإنا نوضح أن الممكن ينتهي وجوده إلى واجب الوجود. و قبل ذلك، فإنا نقدم مقدمات:  
فمن ذلك أنه لا يمكن أن يكون في زمان واحد، لكل ممكن الذات، عله ممكنه الذات بلا نهاية. و ذلك لأن جميعاً إما أن يكون موجوداً معاً، و إما أن لا يكون موجوداً معاً. فإن لم يكن موجوداً معاً، لم يكن الغير المتناهي في زمان واحد، و لكن واحد قبل الآخر، و لنؤخر الكلام في هذا. و إما أن يكون موجوداً معاً، و لا واجب وجود فيه: فلا يخلو: إما أن تكون الجملة بما هي تلك الجملة وجدت متناهيه أو غير متناهيه، واجبه الوجود بذاتها، أو ممكنه الوجود في ذاتها. فإن كانت واجبه الوجود بذاتها، و كل واحد منها ممكن؛ يكون الواجب الوجود متقوماً بممكنات الوجود، هذا محال. و إن كانت ممكنه الوجود بذاتها، فالجملة محتاجه في الوجود إلى مفيد للوجود، فإما أن يكون خارجاً منها، أو داخلياً فيها. فإن كان داخلياً فيها؛ فإما أن يكون واحد منها واجب الوجود، و كان كل واحد منها ممكن الوجود، هذا خلف؛ و إما أن يكون ممكن الوجود، فيكون هو عله لوجود الجملة، و عله الجملة عله أولاً لوجود أجزائها؛ و منها هو، فهو عله لوجود نفسه. و هذا مع استحالتة، إن صح، فهو من وجه ما نفس المطلوب. فإن كل شيء يكون كافياً في أن يوجد ذاته؛ فهو واجب الوجود، و كان ليس واجب الوجود، هذا خلف، فبقي أن يكون خارجاً عنها. و لا يمكن أن يكون عله ممكنه، فإنا جمعنا كل عله ممكنه الوجود في هذه الجملة، فهي إذا خارجه عنها، و واجبه الوجود بذاتها.  
فقد إنتهت الممكنات إلى عله واجبه الوجود، فليس لكل ممكن عله ممكنه معه، فوجود العلل الغير المتناهيه في زمان واحد محال.

## صورت‌بندی پیشین برهان

شرح صورت‌بندی پیشین به این قرار است: ابتدا فرض می‌کنیم که موجودی هست. از آن‌جا که طبق اصل انحصار موجود در واجب و ممکن، هر موجودی یا واجب‌الوجود است یا ممکن‌الوجود؛ بنابراین موجود مفروض هم باید یا واجب‌الوجود باشد و یا ممکن‌الوجود. اما اگر موجود فرضی، واجب‌الوجود باشد، آن‌گاه نتیجه می‌شود که واجبی هست؛ و اگر ممکن‌الوجود در نظر گرفته شود، سلسله علی تامی شامل آن موجود است.

در ادامه باز هم فرض می‌کنیم که تمامی مؤلفه‌های سلسله مذکور - خواه متناهی و خواه نامتناهی - ممکن باشند. سپس طبق اصل سلسله علی تام ممکنات، نتیجه می‌گیریم که خود سلسله نیز موجودی ممکن است. در این حالت با توجه به اصل علیت، این سلسله ممکن موجود می‌بایست علت موجود داشته باشد.

از طرفی واضح است که علت سلسله، یا مؤلفه‌ای از سلسله است یا خیر. اما با در نظر گرفتن هر یک از این شقوق به عنوان فرض کمکی، مشاهده می‌شود که هر دوی این حالت‌ها منجر به تناقض می‌شوند؛ زیرا طبق حالت اول، اگر علت سلسله، مؤلفه‌ای از سلسله باشد، به دلیل آن‌که علت تک‌تک مؤلفه‌های آن نیز هست، پس علت خودش هم می‌باشد و این با اصل نامعکس بودن رابطه علیت در تناقض است.

فرض حالت دوم نیز منجر به تناقض می‌شود؛ بدلیل آن‌که از یک طرف علت سلسله، علت است برای هر مؤلفه دل‌خواه آن، از جمله موجود ممکن مفروض و از طرف دیگر، با توجه به تعریف سلسله علی تام، تمام علل موجود ممکن فرضی باید از مؤلفه‌های این سلسله بوده و بنابراین علت سلسله نیز بایستی مؤلفه‌ای از سلسله باشد، در حالی‌که این گزاره با فرض ما مبنی بر این‌که علت سلسله مؤلفه‌ای از سلسله نیست، در تناقض قرار دارد. بنابراین هر دو حالت مذکور به تناقض می‌رسند. پس چنین نیست که تمامی مؤلفه‌های سلسله فوق ممکن‌الوجود باشند، بلکه اقلماً یکی از مؤلفه‌های این سلسله ممکن‌الوجود نیست و در نتیجه آن مؤلفه واجب‌الوجود است.

در ادامه طبق فرض می‌دانیم که هر سلسله‌ای که موجود باشد، تمامی مؤلفه‌های آن نیز موجود هستند. سلسله مذکور موجود است؛ پس تمام مؤلفه‌هایش هم موجودند. از طرف دیگر مؤلفه‌ای در این سلسله یافتیم که ممکن‌الوجود نیست و چون هر موجودی یا ممکن‌الوجود است یا واجب‌الوجود؛ بنابراین قاعداً مؤلفه مذکور هم باید یا ممکن‌الوجود باشد یا واجب‌الوجود. اکنون چون طبق فرض می‌دانیم که مؤلفه مورد بحث ممکن‌الوجود نیست، واجب بودنش را نتیجه می‌گیریم و تا این‌جا برهان خواهیم داشت: اگر موجودی وجود داشته باشد، آن‌گاه واجب‌الوجودی هست؛ اما طبق باور

شیخ بی‌شک موجودی هست. در نتیجه واجب‌الوجودی هست.

### مبانی صورت‌بندی پیشین

در ذیل فهرست اصولی که صورت‌بندی پیشین بر آن‌ها مبتنی است، به همراه شکل نمادی آن‌ها آورده شده است<sup>۱</sup>:

۱. اصل وجود: موجودی تحقق دارد.

$$(\exists x)Ex$$

۲. اصل انحصار موجود در واجب و ممکن: هر موجودی یا واجب‌الوجود است یا ممکن الوجود.

$$(\forall x)[Ex \rightarrow (Px \vee Nx)]$$

۳. اصل علیت: به ازاء هر ممکن‌الوجود موجود، موجودی هست که علت آن ممکن‌الوجود موجود نام دارد.

$$(\forall x)[(Px \wedge Ex) \rightarrow (\exists y)(Cyx \wedge Ey)]$$

۴. اصل نامعکس بودن رابطه علیت: هیچ موجودی نمی‌تواند خودش را ایجاد کند.

$$(\forall x) \sim Cxx$$

۵. اصل وجود سلسله علی تام: به ازاء هر ممکن‌الوجود موجود، سلسله علی تام و موجودی وجود دارد که ممکن مفروض، مؤلفه‌ای از آن سلسله است.

$$(\forall x)\{(Px \wedge Ex) \rightarrow (\exists y)[(CSy \wedge Ey) \wedge Mxy]\}$$

۶. اصل سلسله علی تام ممکنات: اگر تمام مؤلفه‌های یک سلسله علی تام، ممکن‌الوجود باشند؛ آن‌گاه سلسله مفروض ممکن‌الوجود است.

$$(\forall x)\{CSx \rightarrow [(\forall y)(Myx \rightarrow Py) \rightarrow Px]\}$$

۷. اصل ترتب سلسله بر مؤلفه‌ها: یک سلسله علی تام، موجود نخواهد بود، چنان‌چه اقلماً یکی از مؤلفه‌های آن موجود نباشد.

$$(\forall x)\{CSx \rightarrow [\sim Ex \leftrightarrow (\exists y)(Myx \wedge \sim Ey)]\}$$

۱- جهت اطلاع از نحوه‌ی خوانش هر اصل به همراه توضیحات مربوط به آن به متن مقاله‌ی قبل رجوع کنید! (رنجبر، حسینی، سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۵)

۱. اصل تعدی: اگر چیزی علت یک سلسله باشد، آن گاه علت تک تک مؤلفه‌های آن نیز

هست.

$$(\forall x)(\forall y)[(CSx \wedge Cyx) \rightarrow (\forall z)(Mzx \rightarrow Cyz)]$$

۹. تعریف سلسله علی تام: سلسله‌ای علی، تام است اگر تمام علت‌های هر مؤلفه ممکن

از آن، از مؤلفه‌های آن سلسله علی باشند.

$$CSx =_{df} Sx \wedge (\forall y)[(Py \wedge Myx) \rightarrow (\forall z)(Czy \rightarrow Mzx)]$$

همچنین از اصول فوق نتیجه شد که واجبی موجود است، یعنی:

$$(\exists x)Nx$$

### بروز یک تناقض: طرح اشکالی بر صورت‌بندی پیشین

همان گونه که در توضیح صورت‌بندی پیشین گفته شد، هر ممکن مفروضی با تمام علل خود یک سلسله علی تام<sup>۱</sup> را شکل می‌دهد. از طرف دیگر ممکن نیست که تمام مؤلفه‌های سلسله تشکیل شده ممکن‌الوجود باشند و بنابراین اقلأً یک واجب‌الوجود در میان مؤلفه‌هاست که تک تک آن‌ها و بالتبع کل متشکل از آن‌ها را ایجاد می‌کند.

اکنون طبق گزاره‌ای که شیخ پس از اتمام برهان صدیقین به اثبات آن می‌پردازد، واجب‌الوجود واحد است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۸): بنابراین از الحاق اصل وحدت واجب‌الوجود به نتیجه‌ی صورت‌برهان مبنی بر این که اقلأً یک واجب‌الوجود موجود است، نتیجه می‌گیریم که حداکثر و حداقل یک واجب‌الوجود موجود است. اما از طرف دیگر در نظام فلسفی ابن‌سینا به نظر می‌رسد اقلأً یک ممکن‌الوجود موجود باشد. پس می‌توان ادعا نمود که واجب‌الوجود واحدی که وجودش به اثبات رسید، علت آن ممکن‌الوجود خواهد بود و با آن تشکیل یک سلسله علی تام را می‌دهد.

۱- با توجه به صورت‌بندی قبلی برهان صدیقین می‌دانیم که: طبق اصل وجود سلسله علی تام ممکنات، هر ممکن‌الوجود موجودی، مؤلفه‌ای از یک کل یا یک سلسله موجود است. به عبارت دیگر هر موجود معلولی به همراه تمام علل موجود خود، یک کل یا یک سلسله موجود را تشکیل می‌دهند. نام این سلسله، سلسله علی تام ممکنات است. علی است؛ چون میان تمام مؤلفه‌های آن رابطه علیت برقرار است و تام است؛ چون واجد تمام علل هر مؤلفه ممکن از خود است (رنجبر، حسینی، سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ص ۲۹ و ۳۳)

حال بنا بر یکتایی واجب‌الوجود این سلسله تشکیل شده ممکن‌الوجود است. علت این ممکن‌الوجود به‌ناچار همان واجب‌الوجودی است که مولفه‌ای از خود سلسله است. با توجه به اصل تعدی، واجب‌الوجود یکتا که علت سلسله است، علت تک‌تک مؤلفه‌ها خواهد بود. یکی از این مؤلفه‌ها خودش است و از این رو واجب‌الوجود علت خودش خواهد بود. اما این مطلب طبق اصل نامنعکس بودن رابطه علیت، محال و تناقضی صریح است.

با توجه به این مطلب فروض به‌کار رفته در صورت‌بندی پیشین به هم‌راه دو فرض خارج از آن یعنی: وحدت واجب‌الوجود و موجودیت اقلا یک ممکن‌الوجود منجر به تناقض می‌شود.

### بررسی راه‌های رفع تناقض

همان‌گونه که اشاره کردیم چون هر دو گروه از فرض‌ها در ایجاد مشکل سهیم‌اند، پس برای حل مشکل دو راه وجود دارد: تغییر یکی از فروض دوگانه‌ی خارجی یا تغییر یکی از فروض داخلی. توضیح آن‌که در مورد فروض خارجی یا می‌توان اصل وحدت واجب‌الوجود و یا اصل وجود اقلا یک ممکن‌الوجود را رد نمود و به این ترتیب تناقض را رفع کرد. رد تحقق خارجی ممکن‌الوجود به این معنا است که هیچ ممکنی موجود نباشد. این انکار سبب می‌شود تا تشکیل سلسله علی تام شامل آن ممکن و همه عللش را نیز منکر شویم. در نتیجه اساساً در این‌جا سلسله‌ای شامل واجب‌الوجود (به عنوان علل‌العلل) وجود ندارد تا واجب علت آن بوده و طبق اصل تعدی مشکل علیت واجب برای خودش طرح شود.

از طرف دیگر در صورت تعدد واجب‌الوجودها مثلاً چنانچه هر ممکن‌الوجودی سلسله‌ای مخصوص به خود داشته و به واجبی منتهی شود که با واجب سلسله یک ممکن‌الوجود دیگر متفاوت باشد، این پرسش مطرح می‌شود که با وجود یک مؤلفه واجب در هر سلسله، خود سلسله مفروض، واجب است یا ممکن. طبق مقدمه ششم در صورت‌بندی پیشین، اگر تمام مؤلفه‌های یک سلسله ممکن‌الوجود باشند، آن سلسله هم ممکن خواهد بود؛ اما اکنون که سلسله‌ای با مؤلفه‌های تماماً ممکن‌الوجود، ممتنع‌الوجود است و قطعاً یکی از مؤلفه‌های هر سلسله علی تام واجب‌الوجود است، نحوه وجود سلسله چگونه خواهد بود؟ سلسله، واجب است یا ممکن؟ اگر سلسله واجب‌الوجود باشد، آن‌گاه مؤلفه واجب‌الوجود نمی‌تواند علت سلسله واجب‌الوجود باشد، چون واجب معلول نیست. بنابراین مؤلفه مذکور، نمی‌تواند علت تک‌تک مؤلفه‌ها از جمله خودش باشد و به این ترتیب استدلال منقطع خواهد شد.

در عین درستی مطالب فوق، باید گفت با توجه به نظام فلسفی ابن‌سینا، خصوصاً تأکید وی بر وحدت واجب‌الوجود و تلاش برای مبرهن نمودن آن، به نظر می‌رسد رد این دو فرض معقول نیست؛

بنابراین در ادامه به سراغ راه دوم، یعنی اصلاح اصول داخلی می‌رویم تا از رهگذر ایجاد تغییرات در یکی از آن‌ها مشکل را برطرف نماییم.

اما قبل از بررسی نحوه تغییر فروض داخلی، باید گفت همان‌گونه که می‌دانیم، فروض داخل برهان شامل تعریف سلسله علی تام و هشت مقدمه آن هستند. ما از میان تمام این فروض، سه مورد را برای اصلاح بررسی می‌کنیم، یعنی: تعریف سلسله علی تام، اصل نامعکس بودن رابطه‌ی علیت و اصل تعدی. در مورد دلیل این گزینش هم می‌توان گفت: اگر از اصلاح فروض سه‌گانه‌ی مذکور صرف نظر نماییم، شش اصل دیگر باقی می‌ماند. از میان این اصول، اصل وجود و اصل انحصار موجود در واجب و ممکن بدیهی و حتی در زبان مناسب صدق منطقی هستند. از طرف دیگر اصل علیت، اصل بنیادی برهان صدیقین سینوی و حتی فلسفه ابن‌سیناست و به نظر غیر قابل تغییر است. بنا بر اصلاحاتی که در بخش پایانی همین مقاله پیشنهاد خواهد شد، اصول دیگر یعنی اصل وجود سلسله علی تام، اصل سلسله علی تام ممکنات و اصل ترتب سلسله بر مؤلفه‌ها از مقدمات برهان صدیقین قابل حذف هستند. از این رو تغییر آن‌ها به حل تناقض مورد بحث مربوط نخواهد شد. یک دلیل مهم دیگر برای انتخاب اصول سه‌گانه نام‌برده برای انجام اصلاحات، شواهدی است که در آثار خود شیخ در تایید آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین برای رفع تناقض اصلاح سه اصل مذکور را بررسی می‌کنیم.

اول آن‌که، تعریف سلسله علی تام را تصحیح نماییم و آن را به صورت سلسله تام ممکنات درآوریم و در تعریف آن بگوییم: سلسله علی تام ممکنات، سلسله‌ای است که میان مؤلفه‌هایش رابطه علیت برقرار بوده و شامل تمامی «علل ممکن الوجود» هر مؤلفه ممکن از خود باشد. به این ترتیب علت سلسله، تنها اگر ممکن الوجود باشد، مؤلفه‌ای از سلسله است. در نتیجه واجب الوجود واحدی که مؤلفه‌ای از سلسله نیست، به عنوان علت سلسله، علت تمام مؤلفه‌های سلسله است بدون این‌که مؤلفه‌ای از سلسله باشد.

راه حل فوق در عبارات خود شیخ به ابهام آمده است. شیخ در انتهای استدلال خود با رد داخل بودن علت سلسله در خود سلسله می‌گوید که با فرض خارج بودن علت سلسله از سلسله و به دلیل آن که تمام «علل ممکن الوجود» موجود ممکن مفروض را داخل در خود سلسله در نظر گرفتیم، علت خارجی باید واجب الوجود باشد (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص ۲۳۵).

راه دوم آن است که دست به اصلاح اصل نامعکس بودن رابطه علیت بزنیم. به این ترتیب که بگوییم تنها و تنها ذوات ممکن نمی‌توانند خود را ایجاد کنند و بنابراین اگر ذاتی خود را ایجاد نمود، آن ذات واجب الوجود است و برعکس. به این ترتیب علت واجب یکتا، علت تمام مؤلفه‌ها و نیز علت

خودش است و باید هم باشد. در واقع نتیجه حاصل از اصل تعدی، تنها تأکیدی است بر وجوب وجود آن.

خود شیخ نیز به این انتخاب اشاره نموده است؛ به این ترتیب که می‌گوید هر چه خودش در ایجاد ذات خود کافی باشد، واجب‌الوجود است<sup>۱</sup> (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص ۲۳۵).

راه سوم در پی تغییر اصل تعدی است. به این صورت که گفته شود علت سلسله، تنها علت «مؤلفه‌های ممکن‌الوجود» سلسله است و نه علت تک‌تک آن‌ها. به این ترتیب علت واجب‌الوجود سلسله، تنها علت مؤلفه‌های ممکن آن است و نه علت خودش تا این‌که این مسئله با اصل نامنعکس بودن رابطه علیت در تناقض باشد.

اکنون این گزاره که «علت سلسله، تنها علت مؤلفه‌های ممکن آن سلسله است و خود هم موجودی واجب‌الوجود است»، به وضوح با این‌که «علت سلسله در طرف سلسله قرار دارد»، آن‌گونه که شیخ در متن نجات، بر طرف بودن علت واجب‌الوجود سلسله تأکید دارد، هم‌خوان است و ممکن است طرف بودن را به معنای سرسلسله بودن در نظر بگیریم و نه خارج از سلسله بودن (همان‌جا).

### راه‌حل منتخب: تغییر تعریف سلسله علی تام

در نوشتار حاضر جهت برطرف نمودن اشکال علیت واجب برای خودش، از میان سه راه‌حل فوق، راه نخست را برمی‌گزینیم تا از ورود به مباحث فلسفی‌ای که نتیجه‌ی اختیار نمودن راه‌های دوم و سوم است، یعنی «ورود واجب‌الوجود در سلسله» اجتناب نماییم. توضیح آن‌که طبق اصول صورت‌بندی پیشین و تعریف سلسله علی تام، واجب‌الوجود باید مؤلفه‌ای از سلسله علی تام باشد. این مسئله که آیا ممکن است واجب جزء چیزی و چیزی شامل واجب باشد، مسئله‌ای مستقل و قابل تأمل است و نیاز به طرح اصول فلسفی و تحقیق جداگانه‌ای دارد که در این‌جا مجال پرداختن به آن نیست. از این رو در بازسازی برهان از اصلاح تعریف سلسله علی کمک خواهیم گرفت.

بنابراین طبق تعریف سلسله علی تام در مقاله سابق داریم:

$$CSx =_{df} Sx \wedge (\forall y)[(Py \wedge Myx) \rightarrow (\forall z)(Czy \rightarrow Mzx)]$$

۱- در مقاله قبل در مورد تعریف ابتکاری شیخ از موجود واجب توضیحات لازم آورده شده است (رنجبر، حسینی، سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ص ۲۲).

طبق صورت‌بندی اصلاح شده در شکل بازسازی شده برهان که در بخش بعدی نوشتار حاضر ارائه می‌شود، تعریف سلسله علی تام ممکنات به شکل زیر خواهد بود:

$$CSx =_{af} Sx \wedge (\forall y)\{(Py \wedge Myx) \rightarrow (\forall z)[(Czy \wedge Pz) \rightarrow Mzx]\}$$

### دیگر اصلاحات صورت گرفته در صورت‌بندی جدید

پس از ارائه‌ی راه‌حل جهت رفع تناقض مذکور، به نظر می‌رسد اعمال برخی تغییرات دیگر در صورت‌بندی قبل، صورت بهتری به آن ببخشد. این تغییرات عبارت‌اند از:  
 نخست: از آن‌جا که مفهوم سلسله بودن در تعریف سلسله علی تام در هیچ‌جای برهان کاربرد ندارد، حذف آن زبانی برای برهان نخواهد بود؛ بنابراین در صورت‌بندی جدید بدون آن که تغییری در تعریف اصلی صورت دهیم، اصلی را از این تعریف استخراج و به عنوان مقدمه به صورت‌بندی جدید می‌افزاییم که شامل  $Sx$  نباشد. شکل نمادی این اصل به صورت زیر است:

$$(\forall y)\{CSx \rightarrow (\forall y)\{(Py \wedge Myx) \rightarrow (\forall z)[(Czy \wedge Pz) \rightarrow Mzx]\}\}$$

دوم: طبق صورت‌بندی پیشین در تمام مقدمات مفهوم موجود بودن یک شیء، به صورت یک محمول مستقل دیده می‌شود؛ اما در برخی از صورت‌بندی‌هایی که امروزه برای مفهوم موجود در نظر گرفته می‌شود، «موجودیت» محمول‌نشانه مستقلی نیست؛ بلکه بخشی از ساختار زبان است و در نتیجه بدون افزودن نمادی جدید و تنها با نشانه‌های متداول در سیستم منطق محمولات مرتبه‌ی اول با این‌همانی، یعنی سور جزئی و این‌همانی نشان داده می‌شود. چنانچه موجود بودن را با توجه به این نوع صورت‌بندی نمایش دهیم، آن‌گاه تعریف آن، براساس نمادی که قبلاً برای مفهوم مذکور در نظر گرفته شده بود، به شکل زیر نشان داده می‌شود:

$$Ex =_{af} (\exists x)(x = x)$$

با حذف محمول وجود و تعریف آن به صورت فوق اصل وجود تبدیل به صدق منطقی شده و از برهان خارج می‌شود.

به این ترتیب و با اعمال تغییرات فوق هم‌چنان که ملاحظه خواهد شد، برای حصول نتیجه‌ی نیازی به اصل سلسله علی تام ممکنات و اصل ترتب سلسله بر مؤلفه‌ها نخواهد بود. از این رو تعداد فروض برهان از هشت مقدمه و یک تعریف به شش مقدمه کاهش می‌یابد. مقدمات به کار رفته در صورت‌بندی جدید به صورت زیر است:

$$۱- اصل انحصار موجود در واجب و ممکن:  $(\forall x)(Px \vee Nx)$$$

۲- اصل علیت:  $(\forall x)[Px \rightarrow (\exists y)(Cyx)]$

۳- اصل نامعکس بودن رابطه علیت:  $(\forall x) \sim Cxx$

۴- اصل وجود سلسله علی تام:  $(\forall x)[Px \rightarrow (\exists y)(CSy \wedge Mxy)]$

۵- اصل تعدی:  $(\forall x)(\forall y)[(CSx \wedge Cyx) \rightarrow (\forall z)(Mzx \rightarrow Cyz)]$

۶- اصل سلسله علی تام ممکنات:

$(\forall y)\{CSx \rightarrow (\forall y)\{(Py \wedge Myx) \rightarrow (\forall z)[(Czy \wedge Pz) \rightarrow Mzx]\}\}$

### توضیح غیرنمادی صورت‌بندی جدید

با توجه به اصلاحات صورت گرفته توضیح صورت‌بندی جدید برهان صدیقین به صورت زیر است<sup>۱</sup>:

ابتدا فرض (فرض خلف) می‌کنیم که واجب‌الوجودی موجود نباشد؛ در نتیجه به ازاء هر موجود، آن موجود واجب‌الوجود نیست. با این فرض که هیچ موجودی واجب‌الوجود نیست، موجودی فرضی مانند  $\alpha$  را در نظر می‌گیریم که واجب نیست و از آن‌جا که هر موجودی یا واجب‌الوجود است و یا ممکن‌الوجود، پس موجود مفروض می‌بایست ممکن‌الوجود باشد.

می‌دانیم که به ازاء هر ممکن‌الوجود، یک سلسله علی تام ممکنات موجود است که آن ممکن‌الوجود، مؤلفه‌ای از آن سلسله علی تام است. بنابراین ممکن‌الوجود مفروض هم مؤلفه یک سلسله علی تام است. به دلیل آن که کل سلسله مورد نظر موجود است، بنابراین یا واجب‌الوجود است و یا ممکن‌الوجود؛ اما طبق فرض واجب‌الوجودی موجود نیست، بنابراین سلسله مذکور هم واجب‌الوجود نبوده و ممکن است.

تا این‌جا یک موجود ممکن داریم که مؤلفه‌ای از یک سلسله علی تام موجود و ممکن است. طبق اصل علیت به ازاء هر موجود ممکنی، علت موجود است. سلسله علی مذکور ممکن‌الوجود و بنابراین دارای علت موجود است. از طرف دیگر علت سلسله، علت تک‌تک مؤلفه‌ها بوده و بنابراین علت ممکن‌الوجود مفروض هم هست.

۱- در بخش پیوست همین مقاله صورت فرمال توضیحات فوق با توجه به سیستم فیچ، آن‌گونه که در کتاب منطق موجهات آقای

موحد معرفی شده آورده شده است (موحد، ۱۳۸۶، ص ۲۴-۲۷).

اکنون طبق مقدمه ششم می‌دانیم که یک سلسله‌ای علی و تام، واجد تمام علل ممکن هر ممکن‌الوجود موجود در خود هست؛ پس علت سلسله به دلیل آن که علت ممکن‌الوجود مفروض نیز هست، باید مؤلفه‌ای از سلسله باشد. اما قبلاً گفتیم که علت یک سلسله، علت تک‌تک مؤلفه‌های موجود در آن سلسله است. در نتیجه علت سلسله مفروض، علت خودش هم هست و از آن‌جا که محال است چیزی علت خودش باشد، علت سلسله، هم باید علت خودش باشد و هم علت خودش نباشد. پس این که واجب‌الوجودی موجود نباشد، گزاره‌ای منجر به تناقض و بنابراین محال است.

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار، نشان داده شد فروض صورت‌بندی برهان صدیقین در مقاله رنجبر، حسینی، سعیدی‌مهر ۱۳۹۲ به همراه دو فرض مقبول در فلسفه سینوی یعنی وحدت واجب‌الوجود و موجودیت لااقل یک ممکن‌الوجود، منتج به گزاره: «واجب‌الوجود علت خودش است»، می‌شود که طبق اصل نامعکس بودن رابطه علیت چنین چیزی محال است. جهت یافتن راه‌حلی برای برطرف نمودن تناقض پیش‌آمده با بررسی راه‌حل‌های ممکن یعنی تغییر و اصلاح تعریف سلسله علی تام، اصلاح اصل نامعکس بودن رابطه علیت و تغییر در اصل تعدی، به این نتیجه رسیدیم که اصلاح تعریف سلسله علی تام، راه‌حل معقول‌تری جهت رفع مشکل به نظر می‌رسد چرا که با انتخاب آن تا حد امکان از طرح و بررسی مسائل فلسفی ناشی از تغییر اصل نامعکس بودن رابطه علیت و اصل تعدی خصوصاً مسئله مؤلفه بودن واجب‌الوجود در سلسله علی اجتناب نموده‌ایم. در پایان با افزودن برخی اصلاحات دیگر به تغییر تعریف سلسله علی در صورت‌بندی پیشین، یعنی حذف مفهوم سلسله بودن و نیز مفهوم موجود بودن صورت‌بندی جدیدی برای برهان صدیقین سینوی پیشنهاد شد که واجد تعداد سطرهای محدودتر و مبتنی بر فروض کمتری است.

## منابع و مأخذ

- ✓ ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳)، *الاثارات و التنبيهات*، ج ۳، قم، نشر البلاغه
- ✓ همو (۱۳۶۴)، *النجاه*، تهران، نشر مرتضوی
- ✓ رنجبر، هما، حسینی، داود، سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۲)، «*صورت بندی برهان صدیقین ابن سینا در نجات بر پایه منطق محمولات مرتبه اول*»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی حکمت سینوی (مشکوه النور)، سال هفدهم، شماره ۵۰، ص ۱۷-۴۰
- ✓ موحد، ضیاء (۱۳۸۶)، *منطق موجهات*، تهران، انتشارات هرمس
- ✓ یثربی، یحیی (۱۳۸۵)، *ترجمه و شرح الهیات نجات شیخ الرئيس ابوعلی سینا*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمیمه الف

1	$(\forall x)(Px \vee Nx)$	P
2	$(\forall x)[Px \rightarrow (\exists y)(Cyx)]$	P
3	$(\forall x) \neg Cxx$	P
4	$(\forall x)[Px \rightarrow (\exists y)(Csy \wedge Mxy)]$	P
5	$(\forall x)(\forall y)[(CSx \wedge Cyx) \rightarrow (\forall z)(Mzx \rightarrow Cyz)]$	P
6	$(\forall y)[CSx \rightarrow (\forall y)(Py \wedge Myx) \rightarrow (\forall z)[(Czy \wedge Pz) \rightarrow Mzx]]$	P
7	$\neg(\exists x)Nx$	AP
8	$(\forall x) \neg Nx$	SIR, 7
9	$\neg Na$	$\forall E, 8$
10	$Pa \vee Na$	$\forall E, 1$
11	$Pa$	SIR, 10, 9
12	$Pa \rightarrow (\exists y)(Csy \wedge May)$	$\forall E, 4$
13	$(\exists y)(Csy \wedge May)$	$\rightarrow E, 12, 11$
14	$CSb \wedge Mab$	AP
15	$CSb$	$\wedge E, 14$
16	$Mab$	$\wedge E, 14$
17	$Pb \vee Nb$	$\forall E, 1$
18	$\neg Nb$	$\forall E, 8$
19	$Pb$	SIR, 18, 17
20	$Pb \rightarrow (\exists y)(Cyb)$	$\forall E, 2$
21	$(\exists y)(Cyb)$	$\rightarrow E, 20, 19$
22	$Ccb$	AP
23	$CSb \wedge Ccb$	$\wedge I, 22, 15$
24	$(CSb \wedge Ccb) \rightarrow (\forall z)[(Mzb \wedge Pz) \rightarrow Ccz]$	$\forall E, 5$
25	$(\forall z)[(Mzb \wedge Pz) \rightarrow Ccz]$	$\rightarrow E, 24, 23$
26	$(Mab \wedge Pa) \rightarrow Cca$	$\forall E, 25$
27	$Mab \wedge Pa$	$\wedge I, 27, 26$
28	$Cca$	$\rightarrow E, 29, 15$
29	$CSb \rightarrow (\forall y)[(Py \wedge Myb) \rightarrow (\forall z)[(Czy \wedge Pz) \rightarrow Mzb]]$	$\forall E, 6$
30	$(\forall y)[(Py \wedge Myb) \rightarrow (\forall z)[(Czy \wedge Pz) \rightarrow Mzb]]$	$\rightarrow E, 27, 26$
31	$[Pa \wedge Mab] \rightarrow (\forall z)[(Cza \wedge Pz) \rightarrow Mzb]$	$\forall E, 30$
32	$Pa \wedge Mab$	SIR, 27
33	$(\forall z)[(Cza \wedge Pz) \rightarrow Mzb]$	$\rightarrow E, 32, 31$
34	$(Cca \wedge Pc) \rightarrow Mcb$	$\forall E, 33$
35	$Pc \vee Nc$	$\forall E, 1$
36	$\neg Nc$	$\forall E, 8$
37	$Pc$	SIR, 36, 35
38	$Cca \wedge Pc$	$\wedge I, 37, 28$
39	$Mcb$	$\rightarrow E, 38, 34$
40	$(Mcb \wedge Pc) \rightarrow Ccc$	$\forall E, 25$
41	$Mcb \wedge Pc$	$\wedge I, 39, 37$
42	$Ccc$	$\rightarrow E, 41, 40$
43	$\neg Ccc$	$\forall E, 3$
44	$\perp$	$\wedge I, 43, 42$
45	$\perp$	$\exists E, (44 - 22), 21$
46	$\perp$	$\exists E, (45 - 14), 13$
47	$\neg\neg(\exists x)Nx$	$\rightarrow I, (46 - 7)$
48	$(\exists x)Nx$	$\rightarrow E, 47$

در این برهان B، Cb و ... که به جای متغیرهایی چون X و Y و غیره قرار می‌گیرند، ممکن نام‌های فرعی و نه متغیر هستند.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

